



گفتاردرمانی برای فریب بازارها و البته افکار عمومی. در این میان، رفتار خود ترامپ هم با تصویری که از یک جنگ کوچک و محدود ارائه می‌کند، تناقض عمیق دارد. نگرانی از انتقام ایران و تهدیدهای احتمالی، تا آنجا پیش رفت که در جریان سفر ترامپ به ترکیه برای شرکت در اجلاس سران ناتو، نحوه خروج و در واقع فرار وی با ماشین حمل غذای فرودگاهی، به نمادی از شکست و تحقیر رئیس جمهور آمریکا تبدیل و دستمایه تمسخر گسترده وی شد. ترامپ، سرمست از عملیات نمایشی و پیروزی قاطع و سریع در حمله به ونزوئلا، گمان می‌کرد ایران نیز لقمه‌ای راحت برای بلعیدن است. حالا و با گذشت هفت ماه از آغاز جنگ، هیچ کدام از اهداف اصلی و اولیه اعلامی او محقق نشده و بازگشایی تنگه هرمز به هدف شماره یک او تبدیل شده است و هر چند روز یک بار برای تسکین قیمت سوخت در آمریکا مجبور است درباره باز بودن تنگه لاف بزند. سایه انتقام ملت ایران و آزادگان جهان، به عنوان یک «مأموریت الهی»، ترامپ را رها نخواهد کرد و رئیس جمهور جنایتکار آمریکا تا پایان عمر منحوس خود هزاران بار آرزو خواهد کرد کاش هرگز هوس چشیدن «سیب زمینی های کوچک» را نکرده بود.

دریایی وارد کرده، همه بخشی از همان هزینه هایی هستند که در روایت جنگ کوچک جایی ندارند. با این حال، شاید مهم ترین بخش ماجرا جایی باشد که آمریکا هنوز نتوانسته مسئله آن را حل کند: تنگه هرمز. واشنگتن می‌تواند درباره برتری نظامی و موفقیت حملات خود سخن بگوید، اما واقعیت این است که تا زمانی که عبور عادی کشتی ها از این آبراه تضمین نشده باشد، چالش اصلی پابرجاست. تنگه هرمز فقط یک آبراه جغرافیایی نیست؛ یکی از شریان های اصلی انرژی جهان است و اختلال در آن مستقیماً بر اقتصاد آمریکا و متحدانش اثر می‌گذارد. اگر جنگ واقعاً سیب زمینی کوچک است، چرا یکی از مهم ترین مسائل آن پس از هفت ماه همچنان حل نشده باقی مانده است؟ مسئله ای که پیش از این جنگ تجاوزکارانه، اساساً وجود نداشت.

روز شنبه، نشریه فوربس در گزارشی نوشت پایان جنگ به معنای اتمام هزینه های آن برای آمریکا نیست و هزینه های جنگ با ایران برای دهه ها ادامه خواهد داشت. ترامپ و تیم اصلی دولت او با کوچک نمایی جنگ می‌کوشند تا جای ممکن از تبعات اقتصادی باتلاقی که در آن گرفتار شده اند، بکاهند؛ نوعی

حمل و نقل و تولید و در نهایت اثرگذاری بر قیمت مواد غذایی، بخشی از صورت حساب جنگ برای شهروندان آمریکایی است. هزینه هایی که با پایان عملیات نظامی هم لزوماً متوقف نمی شوند؛ زیرا بازسازی زیرساخت های نفتی آسیب دیده و بازگشت بازار انرژی به وضعیت عادی ممکن است سال ها زمان ببرد. بنابراین، «سیب زمینی های کوچک» ترامپ برای مردم آمریکا می‌تواند به معنای قبض های بزرگ تر، سوخت گران تر و فشار اقتصادی بیشتر باشد.

اما صورت حساب اصلی در خود میدان نظامی هم قابل مشاهده است. تأسیسات و پایگاه های آمریکا در منطقه بارها هدف حملات ایران قرار گرفته اند و بخشی از زیرساخت ها و تجهیزات نظامی آمریکا آسیب جدی دیده است. جنگ همچنین تلفات انسانی قابل توجهی برای ارتش آمریکا داشته و صدها نظامی آمریکایی کشته یا زخمی شده اند.

آمریکا همچنین ناچار است برای جایگزینی مهمات مصرف شده، تعمیر پایگاه ها، بازسازی مراکز ارتباطی و جبران خسارت تجهیزات نظامی میلیارد دلار هزینه کند. هواپیماهای از دست رفته، تجهیزات آسیب دیده و فشار سنگینی که ماه ها مأموریت مستمر بر ناوگان

دونالد ترامپ برای توصیف جنگ آمریکا علیه ایران از تعبیر عجیبی استفاده کرده: «سیب زمینی های کوچک»! این اصطلاح در ادبیات سیاسی و روزمره انگلیسی به چیزی گفته می‌شود که کم اهمیت، ناچیز و فاقد وزن جدی است؛ مسئله ای که نباید چندان بزرگش کرد. امپرسش اساسی اینجاست که آیا جنگی با این حجم از هزینه، تلفات و تبعات اقتصادی برای آمریکایی ها را می‌توان «سیب زمینی کوچک» نامید؟ اگر جنگ علیه ایران برای آمریکا مسئله ای کوچک است، پس چرا بعد از گذشت هفت ماه هنوز پایان نیافته است؟ این جنگ قرار بود، دست کم براساس برآوردها و وعده های اولیه شخص ترامپ، در چند هفته تعیین تکلیف شود، اما اکنون وارد ماه هفتم شده و آمریکا همچنان درگیر پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم آن است. طولانی شدن جنگ، نخستین نشانه ای است که نشان می‌دهد فاصله میان روایت سیاسی واشنگتن و واقعیت میدان، بسیار بیشتر از آن چیزی است که کاخ سفید می‌خواهد نشان دهد.

هزینه های این جنگ فقط در میدان نبرد محاسبه نمی‌شود. افزایش قیمت بنزین و سوخت دیزل، فشار بر اقتصاد خانوارهای آمریکایی، افزایش هزینه

جنگ منطقه ای

ناوهای آمریکا در تیررس ایران

در میانه تشدید ویدئوهای نظامی ایران و آمریکا، گزارش سنتکام درباره شلیک موشک های بالستیک ایران به سوی ناوهای آمریکایی اهمیت خیلی ویژه ای دارد. یک اهمیت این تحول در پیامی است که می‌تواند برای معادلات بازدارندگی و نحوه حضور نظامی آمریکا در آب های منطقه داشته باشد. فرماندهی مرکزی ارتش تروریستی آمریکا (سنتکام) اعلام کرده است که سپاه پاسداران موشک های بالستیک را به سوی یک ناو هواپیمابر و یک ناوشکن آمریکایی شلیک کرده و یک ناو هواپیمابر و یک ناوشکن موشک انداز آمریکایی با موفقیت از چندین حمله ایران جان سالم به در بردند و هیچ یک از پرسنل آمریکایی آسیب ندیدند. اهمیت این مسئله، بیش از آنکه به میزان خسارت وارد شده مربوط باشد، به تغییر محیط عملیاتی نیروهای آمریکایی بازمی‌گردد. ناو هواپیمابر ستون اصلی قدرت نظامی آمریکا در عملیات های برون مرزی است و حفاظت از آن نیز بر مجموعه ای چندلایه از سامانه های دفاعی، شناورهای اسکورت و جنگنده ها متکی است. بنابراین، شلیک موشک های بالستیک به سوی یک ناو هواپیمابر آمریکایی، حتی در صورت رهگیری یا عدم اصابت، نشان دهنده ورود تهدید موشکی ایران به سطحی است که می‌تواند بر آزادی عمل این ناوها اثر بگذارد. به همین دلیل، این مسئله را باید بخشی از نبرد گسترده تر بر سر «هزینه حضور» دانست؛ جایی که ایران تلاش می‌کند محاسبات طرف مقابل درباره ادامه جنگ و میزان تحمل هزینه های آن را تغییر دهد.

آخرین خبر

سرلشکر رضایی: برای اولین بار موشک خاص و ضد ناوشکن ایرانی آزمایش شد

اظهارات سرلشکر محسن رضایی درباره آزمایش یک موشک جدید ایرانی بر فراز ناو آمریکایی، بار دیگر تنگه هرمز و معادلات امنیتی منطقه را در کانون توجه قرار داده است. دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به تحولات روزهای اخیر، از نمایش توانمندی جدید ایران در برابر نیروهای آمریکایی خبر داد.

سرلشکر رضایی گفت: «ما برای اولین بار، از جنگ ۱۲ روزه تا الان، توانستیم ۴۸ ساعت پیش اولین موشک ضد ناوشکن خودمان را بالای سر یک ناو آمریکا تست کنیم. واقعاً یک جهمی به وجود آمد؛ موشک خاص؛ ناوها فرار کردند.» وی این رویداد را اتفاقی مهم توصیف کرد و افزود: «حادثه آن قدر بزرگ هست که سنتکام هم نتوانسته نفی بکند، به وقوع این حادثه اعتراف کرده است.» سرلشکر رضایی همچنین حمله به کشتی های ایرانی را مورد اشاره قرار داد و گفت ایران، قدرت خود را به طرف مقابل نشان داده است. او در ادامه تأکید کرد: «ما اعلام کردیم که ببینید، این قدرت ماست؛ پس بهتر است که آدم بشوید و بیایید حقوق ملت ما را بدهید.» دبیر شورای عالی امنیت ملی همچنین با اشاره به اهمیت راهبردی تنگه هرمز، آن را بخشی از معادله مقابله ایران با فشارهای آمریکا دانست و گفت: «(تنگه هرمز، تنگه وادار کردن آمریکا به پذیرش حقوق ملت ایران است.)» سرلشکر رضایی پیش تر نیز تأکید کرده بود که «(تنگه هرمز، تنگه عزت ایران است.)» عبارتی که اکنون در سایه تشدید تحولات منطقه، معنایی راهبردی تر یافته است.



#اعتراف روزنامه فایننشال تایمز

۶۴ درصد آمریکایی ها علیه ترامپ

دونالد ترامپ در مخمصه بدی گرفتار شده است. او تصور می‌کرد با حمله به ایران و کسب یک پیروزی برق آسا می‌تواند جامعه آمریکا را بیشتر با خود همراه کند. اما اشتباه محاسباتی وی این بود که تصور می‌کرد ایران نیز مانند برخی از بازیگران ضعیف است که تحت فشار تسلیم می‌شود. حالا بیش از ۶ ماه از جنگ گذشته و ترامپ با تبعات سیاست شکست خورده خود مواجه شده است. روزنامه فایننشال تایمز اعلام کرد که یک نظرسنجی جدید نشان می‌دهد رضایت از عملکرد دونالد ترامپ به ۳۳ درصد رسیده و ۶۴ درصد آمریکایی ها از عملکرد او ناراضی هستند. حتی در میان جمهوری خواهان نیز محبوبیت ترامپ به ۷۲ درصد کاهش یافته و تنها ۵۳ درصد آنان از عملکرد اقتصادی او رضایت دارند. ۵۷ درصد آمریکایی ها هم گفته اند از نظر مالی در دوره ریاست جمهوری ترامپ وضعیت بدتری پیدا کرده اند. این اعداد را باید در کنار هزینه های جنگ اخیر آمریکا علیه ایران دید؛ جنگی که ترامپ تصور می‌کرد می‌تواند با فشار نظامی، تهران را وادار به عقب نشینی کند، اما حالا تبعات آن از میدان نبرد به داخل آمریکا منتقل شده است. افزایش هزینه های انرژی، فشار بر بودجه دولت، اختلال در بازارها و هزینه مستقیم عملیات نظامی، همه می‌توانند به یک سؤال مهم برای رأی دهنده آمریکایی تبدیل شوند: چرا باید هزینه جنگی را بدهد که دستاورد روشن و پایدار آن مشخص نیست؟